

حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و اسناد

بین المللی

فضه امینی^۱

چکیده

خانواده نخستین جامعه‌ای است که کودکان در آن چشم می‌گشایند و امنیت و آرامش آن یکی از ضروریات است که این امنیت در هنگام مخاصمات اهمیت بیشتری دارد. در اسلام و روایات از دیرباز و در اسناد بین‌المللی به دنبال ادامه جنگ‌ها و مخاصمات، حقوق و راه‌کارهایی برای پیشگیری از آسیب‌ها ذکر شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با هدف بررسی چگونگی حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی انجام شد. شناسایی حقوق کودکان در انواع مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی می‌تواند باعث ایجاد راهکارهای جدید و منطقی شود که باعث پیشگیری از آسیب‌ها و یا به حداقل رساندن آنها می‌شود.

واژگان کلیدی: کودک، مخاصمات مسلحانه، حقوق، اسناد بین‌المللی.

۱. مقدمه

جنگ یکی از بدترین و شوم‌ترین اتفاقاتی است که در هر کشور و جامعه‌ای ممکن است رخ دهد. از دیرباز تاکنون هزاران جنگ و درگیری مسلحانه چه داخلی و چه بین‌المللی اتفاق افتاده است. در جنگ‌های مسلحانه، طرفین دعوا فقط به فکر سود و زیان خودشان هستند و به آسیب‌ها و بلایایی که برای مردم عادی و غیر نظامی از جمله کودکان اتفاق می‌افتد هیچ

۱. دانش پژوه کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی،

جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

توجهی نمی‌کنند. جنگ و آسیب‌های آن بی‌شک برای همه انسان‌ها دردناک و گاهی جبران‌ناپذیر است. به‌ویژه برای کودکان که بی‌گناه و ناخواسته وارد این کشمکش‌های وحشتناک و قدرت‌طلب می‌شوند. از گذشته تاکنون بسیاری از افراد و مقامات و دولت‌ها سعی کرده‌اند که این آسیب‌ها و خسارات را به‌ویژه در مورد کودکان کاهش و یا حتی از بین ببرند؛ زیرا کودکی که هنوز وارد دنیای بزرگسالی خود نشده و درکی از قدرت‌طلبی مخاصمان ندارد چرا باید متحمل این عواقب باشد. عواقبی مانند به‌کارگیری کودکان در جنگ‌ها و استفاده نظامی از آنها، کشته شدن کودکان، تجاوزهای جنسی، ربوده شدن و یا محرومیت آنها از کمک‌های بشردوستانه. باتوجه به اجتناب‌ناپذیر بودن وقوع جنگ‌های مسلحانه، جامعه بشری باید راه‌حل‌های جدی و پایدار برای کاهش آسیب‌ها به‌ویژه برای کودکان داشته باشند. بنابراین، باید قوانین و مقرراتی را وضع کنند که علاوه بر اینکه بیشترین سود و کارایی را برای حفظ حقوق کودکان دارد باید ضمانت اجرایی قابل قبول هم داشته باشند. باتوجه به آثار انکارناپذیر جنگ به‌ویژه بر علیه کودکان، مقاله حاضر به دنبال پاسخ دادن به این سؤال است که حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه چیست و از چه حمایت‌هایی برخوردارند.

پدیده جنگ از زمان‌های قدیم وجود داشته و مسئله‌ای گریزناپذیر برای همه مردم است. باید به ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ توجه کافی باشد تا آسیب‌های آن به حداقل برسد، حتی در ابتدایی‌ترین جنگ‌ها، قوانین و مقررات خاصی وجود داشته و رعایت می‌شده البته نه به شکل امروزی. ازجمله افرادی که نیاز به توجه کافی در این جنگ‌ها دارند، کودکان هستند؛ شناسایی حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی یکی از مواردی است که می‌تواند به کاهش آسیب‌دیدگی کودکان کمک کند. با ارزیابی قوانین موجود در جهان می‌توان به کاهش آسیب‌هایی که به کودکان وارد می‌شود، کمک کرد. همچنین با بررسی قوانین می‌توان راهکارهای قابل اجرا را در این زمینه پیدا کرد.

۲. کودک از دیدگاه اسناد بین‌المللی

تعاریف گوناگونی از کودک می‌توان کرد. برای مثال از دیدگاه پزشکی، حقوق بشر، قانون، حقوق اسلام و یا از دیدگاه اسناد بین‌المللی. (مروت، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲) به دلیل تکرار زیاد کلمه کودک در تحقیق حاضر باید تعریف کاملی از این کلمه شود. اسناد بین‌المللی در ماده ۱ کنوانسیون در مورد کودک می‌گوید: «منظور از کودک افراد زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه براساس قانون قابل اجرا درباره کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». در مورد این ماده چند نکته قابل ذکر است: اول اینکه کودک را در محدوده سنی گسترده‌ای قرار دهد یعنی، یک فرد را تا ۱۸ سال کودک می‌دانند درحالی که ممکن است کودکی سن کمتری را شامل شود. دوم اینکه کودکی را از لحظه تولد می‌توان در نظر گرفت و شاید منظور آنها این بوده که می‌خواستند جواز سقط جنین را در اروپای شرقی بدهند و قصد زیر سؤال بردن آن را نداشتند؛ یعنی می‌خواستند کودکی را از زمان قبل از تولد در نظر بگیرند تا بتوانند جنین را قبل از تولد سقط کنند و مانعی نداشته باشند.

این نکته در کشورهای مختلف متفاوت است. برای مثال در کشور لهستان طرحی پیشنهاد شده بود مبنی بر اینکه شروع کودکی از لحظه تولد است. در کشور ایرلند و واتیکان و کشورهای آمریکای لاتین بر این باور بودند که شروع کودکی از لحظه انعقاد نطفه و استقرار آن در رحم مادر است. ایالات متحده آمریکا آغاز دوران کودکی را از لحظه تولد طفل تا زمانی که پس از تولد قابلیت بقا و دوام را دارد در نظر می‌گیرند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ص ۵۱) باتوجه به نظرات متفاوت به نظر می‌رسد که براساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، فقط به پایان کودکی توجه کرده، ولی در مورد شروع کودکی حرفی به میان نیاورده است. هرچند ممکن است که افراد بگویند وقتی که کودکی به دنیا آمد او را کودک می‌نامند نه زمانی که هنوز معلوم نیست که زنده متولد می‌شود یا نه (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). مفهوم کودک در اسناد بین‌المللی دیگری هم وجود دارد؛ بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۹۶،

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز درباره مجازات اعدام تصریح می‌کند: «حکم اعدام درباره جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌شود و درباره زنان باردار اجازه اجرا ندارد».

در بند «د» ماده ۱ قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی، مصوب ۱۹۶۲ ژنو و ماده ۲ کنوانسیون، بدترین شکل کار کودک و براساس نظر سازمان بهداشت جهانی، لفظ کودک به افرادی گفته می‌شود که سن آنها کمتر از ۱۸ سال باشد. آنچه از اسناد مختلف بین‌المللی به دست آمده، نشان می‌دهد که سن کودک تا پایان ۱۸ سالگی است و در کشورهای مختلف این عدد متفاوت است، اما اینکه شروع کودکی از چه زمانی است، هنوز مشخص نیست و به نظر می‌رسد که در هر کشوری نظرات متفاوتی وجود دارد. در مورد شروع دوران کودکی، کشورها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- گروه اول، کشورهایی است که زمان انعقاد نطفه را شروع کودکی می‌دانند. این کشورها شامل: آمریکای لاتین، ایرلند، واتیکان هستند؛
 - گروه دوم کشورهایی است که شروع کودکی را زمانی می‌دانند که طفل پس از تولد قابلیت بقا و استعداد بقا را داشته باشد مانند کشور آمریکا. در حقوق آمریکا معتقدند زمانی که جنین بتواند در بیرون از رحم مادر زندگی کند و کارشناسان بر این باورند که این حالت در هفتمین ماه حاملگی به وجود می‌آید (پیوندی ۱۳۹۰، ص ۴۶).
 - گروه سوم شروع کودکی را از لحظه تولد می‌دانند مانند کشورهای غربی. مبنای چنین نظری جواز و رواج سقط جنین در اوایل حاملگی در کشورهای اروپای شرقی است. البته در طرح نهایی کنوانسیون حقوق کودک این جمله حذف شده است.
- به نظر نویسنده اینکه چه سنی را شروع دوران کودکی بدانند در هر کشوری باتوجه به معیارها و ضوابط کشورها متفاوت است. کشورهای دنیا براساس مصلحتشان اینکه چه سنی را شروع دوران کودکی در نظر بگیرند، متفاوت هستند. بیشتر کشورها پایان سن کودکی را ۱۸

سالگی می‌دانند؛ یعنی افراد زیر ۱۸ سال را کودک می‌دانند. در بعضی از کشورها پایان دوران کودکی را ۱۴ سالگی یا ۱۵ سالگی هم می‌دانند. بنابراین، باید به معیارهای فردی مثل رشد عقلی و اجتماعی هر فرد بیشتر توجه شود. به نظر می‌رسد که هرچه سن کودکی بیشتر در نظر گرفته شود از لحاظ حفظ حقوق کودکان بهتر است.

۳. کودک از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام به کودک توجه ویژه‌ای شده است؛ زیرا کودک از دامن خانواده به وجود آمده و رشد می‌کند. پس از ازدواج باید کودکانی تحویل جامعه بدهند که سالم و صالح باشند. از روایات مختلف به دست می‌آید که شروع کودکی از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر است. امام کاظم علیه السلام در روایتی درباره زنی که از حاملگی می‌ترسید و قصد داشت با مصرف دارویی جنین را سقط کند فرمود: «حق انجام دادن چنین کاری را نداری». در همین لحظه راوی می‌گوید: «آنچه او قصد سقط کردن دارد، نطفه است». امام علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَخْلُقُ نُطْفَةً» (کلینی، بی‌تا، ص ۶۲).

روایت معتبر ظریف بن ناصح از علی علیه السلام نیز به صراحت بر جنین، اطلاق نفس (انسان کامل) می‌کند: «پس زمانی که خلقت دیگر که همان روح است در جنین تحقق یافت پس او انسانی است که اگر مذکر باشد هزار دینار و اگر مؤنث باشد ۵۰۰ دینار دیه اوست». (صدوق، ۱۳۶۴، ص ۱۷۱) همچنین در اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری در ماده ۷ آن آمده است: «هر کودکی از زمان تولد حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آنها مبذول شود». باتوجه به روایات متعدد و ماده ۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به نظر می‌رسد که شروع کودکی از همان دوران حاملگی مادر شروع می‌شود؛ زیرا در دوران جنینی، انسان موجودی زنده و مستقل است که حقوقی دارد مانند اینکه اگر مادری مرتکب جرمی شود و به مجازاتی مانند حد یا قصاص محکوم شود

باید مجازات مادر به علت رعایت حق حمل به تأخیر بیافتد. در مورد پایان دوران کودکی از دیدگاه اسلام باید مفهوم بلوغ و رشد را دانست. بلوغ از نگاه قرآن شامل سه اصطلاح: بلوغ حلم (ر.ک.، نور: ۵۸ و ۵۹)، بلوغ النکاح (ر.ک.، نساء: ۶) و بلوغ اشد (ر.ک.، انعام: ۱۵۲؛ یوسف: ۲۲؛ اسرا: ۳۴؛ کهف: ۸۲؛ حج: ۵؛ قصص: ۱۳؛ غافر: ۶۷).

۳-۱. بلوغ حلم

حلم در لغت به معنای جماع کردن است و در اینجا کنایه از بلوغ است. مفسران نیز بلوغ حلم را احتلام معنی کرده‌اند و آن را یکی از نشانه‌های رسیدن انسان به سن بزرگسالی و بلوغ می‌دانند.

۳-۲. بلوغ نکاح

بلوغ نکاح نیازمند داشتن شروط و وضعیتی است که یکی از آنها قدرت باروری است و دیگری مسئله وضعیت شخص است که می‌تواند به صورت مستقل زندگی کند و مسئولیت مهم زندگی خانوادگی را بپذیرد و از عهده اداره آن برآید.

۳-۳. بلوغ اشد

بلوغ اشد بیشترین آیات را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد پایان کودکی و ورود به بزرگسالی با رسیدن به مرحله بلوغ اشد حاصل می‌شود. پس از مطالعه انواع بلوغ به نظر می‌رسد که پایان کودکی را باید در بلوغ اشد دانست. اشد یعنی، قدرت و توان که در اینجا به معنی توان جسمی و عقلی است. گاهی فقهای اسلامی، بلوغ را کافی نمی‌دانند و رشد را هم از علائم پایان دوران کودکی می‌دانند. مفهوم رشد عام است و اختصاص به امور مدنی و مالی ندارد و شامل امور کیفری نیز می‌شود. این مطلب را از روایات می‌توان استنباط کرد. با بررسی دو مفهوم بلوغ و رشد این نتیجه به دست می‌آید که پایان دوران کودکی در بیشتر مناطق دنیا بین ۱۵ تا ۱۸ سالگی است. در فقه اسلامی ابتدای دوره بلوغ، پایان دوران کودکی است و از دیدگاه اسلام، سن بلوغ سن مشخصی نیست (عباچی، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

۴. مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام

ماهیت مخاصمات مسلحانه در اسلام به معنی یک سلسله عملیات نظامی و خشونت آمیز توأم با قتل، کشتار و تخریب نیست بلکه ماهیتی دفاعی است؛ زیرا در اندیشه اسلامی، جنگ و مخاصمه اصالت ندارد، دعوت به صلح و آرامش، هویت اصلی دین است. چنانچه سیره پیامبر اسلام ﷺ نشان می‌دهد که صلح و صفا و مهر و محبت اصل اساسی در ایجاد ارتباط با سایرین است و منطق، استدلال و موعظه غالب بر زور و شمشیر است و اگر دستور به آمادگی نظامی داده شد برای دفاع از موجودیت و کیان دین، استقلال و امنیت بود. (اردستانی و کامجو، ۱۳۹۷)

۵. مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسناد بین‌المللی

ماده ۲ مشترک کنوانسیون ژنو می‌گوید: «علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود کنوانسیون حاضر در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلام شده باشد و یا هر نوع مخاصمه مسلحانه‌ای که بین دو یا چند دولت معظم متعاقد بروز نماید، اجرا خواهد شد هرچند یکی از دول مزبور وجود چنین مخاصمه‌ای را تصدیق نکند». بنابراین، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، مخاصماتی هستند که میان دول معظم متعهد روی می‌دهد و این وضعیت زمانی است که یک یا چند دولت در مقابل دیگر به نیروی مسلح متوسل شوند.

۶. انواع مخاصمات مسلحانه

باوجود تلاش‌های انجام شده در سطح بین‌المللی برای کاهش و ممنوعیت توسل به زور همچنان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی در گستره جهان دیده می‌شود به طوری که امروزه این مخاصمات بعد از موضوع تروریسم، یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های جامعه بین‌المللی است. در گذشته به مخاصمات مسلحانه، جنگ می‌گفتند که مربوط به مبارزه بین دو دولت می‌شد، اما هرچه زمان گذشت، انواع جدیدی از مخاصمات مسلحانه ایجاد شد که ضرورت دو طرف آنها دولت‌ها نیستند. (نظیفی و جعفری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۲) به نظر می‌رسد به طور کلی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی به درگیری‌هایی که ویژگی‌های زیر را

داشته باشد، اطلاق می‌شود؛ عنصر درگیری مسلحانه و به کار بردن زور در مخاصمات. در مخاصمات بین‌المللی طرف‌های درگیر همان کشورهای حقوق بین‌الملل هستند و در مخاصمات غیر بین‌المللی طرف‌های درگیر یا یکی از آنها فاقد ویژگی‌های یک کشور هستند؛ یعنی ماهیتی غیر کشوری و غیر حاکمیتی دارند.

۶-۱. مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (داخلی)

در ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون نظر حاضران در مورد این ماده این بود که در مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی نباید همه موارد توسل به زور درون قلمروی یک دولت را دربرگیرد، اما همه پیشنهادهای ارائه شده در این مورد رد شد. از نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ماده ۳ مشترک جزء یادآوری چند قاعده حداقلی نیست که در قوانین داخلی بیشتر دولت‌ها مقرر شده و رعایت آن در هر اوضاع و احوالی واجب است. (ممتاز، بی تا) بسیاری از درگیری‌های داخلی در کشورهای فقیر جهان رخ می‌دهد؛ یعنی جایی که مردم آنها آسیب‌پذیری بیشتری دارند. در زمان وقوع درگیری غیر بین‌المللی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی شماره دوم اعمال می‌شود و مقررات حقوق بشردوستانه از نیروهای مسلح که در مخاصمه شرکت نکرده‌اند یا مخاصمه را ترک کرده‌اند، حمایت می‌کند. بنابراین، مخاصمات غیر بین‌المللی مخاصماتی هستند که در قلمروی یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه‌های مسلح مخالف و یا بین خود این گروه‌ها در یک مدت زمان متعارف روی می‌دهد (سلیمان زاده، ۱۳۹۳).

۶-۲. مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد: «علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود، کنوانسیون حاضر در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلام شده باشد و یا هر نوع مخاصمه مسلحانه‌ای که بین دو یا چند دولت معظم متعاهد بروز نماید اجرا خواهد شد هرچند یکی از دول مزبور وجود چنین مخاصمه‌ای را تصدیق ننماید». بنابراین،

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، مخاصماتی هستند که میان دول معظم متعاهد روی می‌دهند و این وضعیت زمانی است که یک یا چندین دولت در مقابل دولت دیگر به نیروی مسلح متوسل می‌شوند. تصویب پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ در همین راستا بوده است. این پروتکل که در مورد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است موجب بسط و توسعه چنین مخاصماتی شده است؛ یعنی علاوه بر جنگ‌های منظم میان دولت‌ها مبارزه علیه سلطه استعماری، اشغال خارجی و رژیم‌های نژادپرست نیز مخاصمه مسلحانه بین‌المللی قلمداد می‌شوند. (اردستانی و کامجو، ۱۳۹۷)

به عبارت دیگر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مواردی هستند که حداقل دو کشور در آن مخاصمه درگیر هستند. آنها تابع قوانین گسترده‌ای هستند از جمله قوانینی که در چهار کنوانسیون ژنو و پروتکل الحاقی آنها آمده است. با توجه به اینکه دولت‌ها، مهمترین شیوه برای رسیدن به منافع و اهداف خود را برای برطرف کردن اختلافاتشان با کشورهای دیگر به کار بردن زور در جنگ‌ها می‌دانستند. به همین دلیل توسل به زور در حقوق بین‌الملل مجاز بوده است. بنابراین، اثبات تحقق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به سختی قابل انکار است و به واسطه درگیری‌های کوتاه مدت هم می‌توانند آغازگر یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی باشند (آقازاده، ۱۳۹۵).

۷. حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه

همه انسان‌ها حقوقی دارند و کودکان هم که جزئی از این جامعه هستند حقوق مخصوص به خود را دارند. با توجه به اینکه کودکان چه در زمان صلح دچار آسیب‌هایی مانند بیماری‌ها، تجاوزات و قاچاق انسان و... قرار دارند در زمان جنگ هم به ویژه جنگ‌های مسلحانه داخلی در معرض آسیب‌هایی مثل آسیب‌های جسمی و روانی، جدایی از خانه و والدین، سوء تغذیه، محرومیت از آموزش، بی‌سرپرستی، قحطی و مهمترین آنها مرگ هستند. برای پیشگیری از این آسیب‌ها، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه نیازمند تدوین قوانین و مقررات ویژه‌ای

است. (آقا زاده، ۱۳۹۵) اسناد متعددی در حقوق بین الملل از کودکان در مخاصمات مسلحانه حمایت کرده است. این اسناد دو دسته هستند: حقوق بین الملل بشر دوستانه و حقوق بین الملل بشر. هر دو حقوق بین المللی بشر دوستانه و حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه، اعمال می شوند. تفاوت اصلی در کاربرد آنهاست. در حقوق بین الملل بشر به دولت ها اجازه داده می شود تا چنانچه با شرایط اضطراری روبه رو شدند تعدادی از حقوق انسانی را به تعلیق در آورند، اما حقوق بین الملل بشر دوستانه را نمی توان به حالت تعلیق در آورد (مگر در شرایط عنوان شده در ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو).

۷-۱. حقوق بین الملل بشر دوستانه

پروتکل الحاقی اول و دوم کنوانسیون چهارگانه ژنو مواردی که از کودکان حمایت کرده را ذکر کرده است: پروتکل اول الحاقی مقرر می کند طرفین متخاصم در انتخاب روش های مخاصمه آزاد نبوده و باید قواعد را رعایت کنند و استفاده از سلاح هایی که جراحات غیر ضروری ایجاد می کنند، ممنوع است. طرفین مخاصمه باید هر زمان تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان را رعایت کنند. همچنین ماده ۵۱ در بند ۴ خود استفاده از سلاح ها و روش های غیر قابل تفکیک را ممنوع می داند. (زعفرانی، بی تا) به طور کلی، حقوق بشر دوستانه، حقوق حمایتی است که این حمایت ها به دو شاخه حمایت عام و حمایت خاص تقسیم می شود. حمایت عام یعنی، حمایت هایی که صرف نظر از ویژگی های فردی، شغلی، جنسی، نژادی و مذهبی از همه افراد غیر نظامی به عمل می آید. باتوجه به اینکه کودکان جزء افراد غیر نظامی و آسیب پذیر جامعه هستند از این حمایت ها برخوردار هستند و به تصریح بند اول ماده ۷۷ پروتکل اول باید مورد احترام قرار بگیرند و در برابر هرگونه حمله غیرمحرمانه حمایت شوند (میرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۳۸).

منظور از حمایت خاص از کودکان در برابر هرگونه زیان های جسمی و روحی است. به همین دلیل اسناد حقوق بشر علاوه بر حمایت از کودکان از مادران آنها نیز حمایت کرده است. براساس ماده ۳۸ بند ۵ کنوانسیون چهارم، کودکان زیر ۱۵ سال، زنان باردار و مادران

کودکان زیر ۷ سال از هرگونه رفتار ممتاز برخوردارند (ماده ۳۸ بند ۵ کنوانسیون چهارم). ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک از دولت‌ها می‌خواهد که به قواعد حقوق بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه احترام بگذارند و احترام به آنها را تأمین کنند (ماده ۳۸ کنوانسیون). مواد ۱۴، ۱۷ و ۲۴ کنوانسیون چهارم می‌گوید: «دولت‌های متخاصم متعهدند پس از شروع جنگ در خاک خود و در صورت لزوم در اراضی اشغالی، مناطق امن و نقاط بهداری ایجاد کنند تا زخمیان، بیماران، معلولان، پیران و کودکان زیر ۱۵ سال، زنان باردار و مادران کودکان کمتر از هفت سال از تأثیرات جنگ در امان باشند» (مواد ۲۴ و ۱۷ و ۱۴ کنوانسیون چهارم).

در معاهدات بشردوستانه، دولت‌ها تعهداتی را در زمینه شناسایی، تعیین هویت و بازگشت به خانواده کودکان را پذیرفته‌اند. آنها متعهدند اقدامات لازم را انجام دهند تا کودکان کمتر از ۱۵ سال که در اثر جنگ یتیم و یا از خانواده خود جدا شده‌اند به حال خود رها نگردند و در نگهداری و اجرای مذهب و آموزش آنها تسهیل شود. اعضای خانواده بازداشت شده به‌ویژه پدر و مادر و کودکانشان در یک محل با همدیگر باشند و به‌هرصورت ممکن و به‌هم‌پیوستن مجدد خانواده‌هایی که بر اثر مناقشات مسلحانه از یکدیگر جدا شده‌اند را تسهیل کنند (مواد ۲۴، ۲۶، ۷۴ و ۸۲ کنوانسیون چهارم و ماده ۴، قسمت ب، پروتکل دوم ۱۹۷۷). حقوق بشر، حقوقی است که همگان در همه زمان‌ها، حتی در زمان جنگ از آن برخوردارند، اما حقوق بشردوستانه مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی یا عرفی است که ناظر به رفتار قوای مخاصم در جنگ‌های مسلحانه است. برخی معتقدند که حقوق بشر برای حمایت از انسان‌ها در زمان صلح تدوین یافته است و حقوق بشردوستانه جهت نظام‌مند کردن روابط دولت‌ها با یکدیگر و نیز روابط طرفین مخاصمه با نظامیان و غیر نظامیان طرف دیگر در زمان درگیری‌های مسلحانه طراحی شده‌اند.

۷-۲. حقوق بین الملل بشر

حقوق بین الملل بشر پیچیدگی بیشتری داشته و برخلاف حقوق بین الملل بشردوستانه، معاهدات منطقه‌ای را شامل می‌شود. مهمترین سند حقوق بین الملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ تصویب شد. در شرایط درگیری مسلحانه، حقوق بشر، حمایت‌های ارائه شده توسط حقوق بین الملل بشردوستانه را کامل و تقویت می‌کند. براساس بندهای چهارگانه ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها باید قواعد حقوق بشردوستانه را درباره کودکان رعایت کنند و همه اقدامات ممکن را برای مشارکت نکردن مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات به عمل آورند و در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال، اولویت را برای سن بالاتر در نظر گیرند و نیز همه کارهای لازم در مراقبت از کودکانی که در مناقشات مسلحانه آسیب می‌بینند، به عمل آورند. همچنین براساس ماده ۳۹ دولت‌ها متعهدند در بازپروری سریع کودکان قربانی ازجمله قربانیان مخاصمات مسلحانه تسریع نمایند (میرمحمدی، و همکاران، ۳۸۳).

۸. حقوق بشردوستانه اسلامی

از منظر آموزه‌های دینی و دستورات پیامبر ﷺ و معصومان علیهم السلام نیز با تأکید فراوان به موضوع حمایت از کودکان و سالخوردگان و زنان در درگیری‌های مسلحانه توجه شده است. به اجماع فقهای اسلام، زنان و کودکان از تعرض مصون هستند و مستند فتوای فقها، سنت قولی و عملی پیامبر ﷺ و جانشینان پس از آن حضرت است. (عاملی، بی‌تا، ص ۶۴) به نظر بسیاری از فقهای مسلمان و برخی از فقهای مذهب جعفری چنانچه کودکان در جنگ مشارکت کنند رزمنده محسوب می‌شوند، اما به نظر اکثر فقهای جعفری، کشتن زنان و کودکان مطلقاً ممنوع بوده، حتی اگر در جنگ مشارکت کنند (عاملی، بی‌تا، ص ۳۸۶؛ نجفی، بی‌تا، ص ۶۸). متون بسیاری در فقه اسلام بر اینکه کشتن کودکان در جنگ ممنوع است، صراحت دارند؛ زیرا تعرض به آنان در سرنوشت جنگ تأثیری ندارد. پس صرف حضور و شرکت کودکان در جنگ حتی معاونت آنها با جنگجویان دشمن تازمانی که اضطرار بر آن صدق نکند، مجوز قتل آنها نخواهد بود. مراد

از موارد اضطرار، مواردی است که دشمن در حال نابودی و شکست است و برای جلوگیری از شکست، کودکان خود و یا اسیران مسلمان را سپر دفاعی خویش قرار می‌دهند. در این صورت، کشته شدن برخی از کودکان و اسیران مسلمان برای انهدام دشمن اجتناب‌ناپذیر است. خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدون الله لا یحب المعتدین؛ با کسانی که با شما آغاز جنگ می‌کنند، نبرد نکنید و از حد بیرون نروید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارند» (بقره: ۱۹۰). از تفسیری که مفسران درباره این آیه نموده‌اند این پیام‌ها را می‌توان دریافت کرد:

- کسانی که با شما سر جنگ ندارند با آنان آغاز جنگ نکنید؛
 - از حدود مقرر در جنگ و جهاد خارج نشوید (رعایت حقوق جنگ)؛
 - زنان و کودکان و سالخورده‌گان را در جنگ هدف قرار ندهید (اصل تفکیک).
- روایات متعددی در به‌کار نگرفتن کودکان در جنگ در اسلام وجود دارد که همه آنها دلالت بر ممنوعیت شرکت کودکان در منازعات دارد. (حبیبی، ۱۳۹۶)

۹. آسیب‌های حقوقی کودکان در مخاصمات مسلحانه

۹-۱. سربازگیری و استفاده نظامی از کودک

ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با جرم‌انگاری سربازگیری از کودکان زیر ۱۵ سال تاحدودی مقررات اسناد حقوق بشردوستانه را کامل می‌کند. براساس این ماده، نام‌نویسی یا سربازگیری از کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا به‌کارگرفتن آنها برای مشارکت فعال در عملیات جنگی، چه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و چه در مخاصمات داخلی، جنایات جنگی است و با رعایت ترتیبات اساسنامه مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی خواهد بود. تنها در سال ۲۰۰۳ هزاران کودک به‌جای رزمنده به‌کار گرفته شدند. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷) سربازگیری و مشارکت مستقیم کودکان در زیر سن بلوغ قرن‌هاست که از سوی فقهای مسلمان ممنوع شده است. علامه حلی می‌گوید: «کودکان به این دلیل که ناتوان از جنگیدن

هستند در مخاصمات مسلحانه شرکت نمی‌کنند». سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ در جنگ احد گواه است که آن حضرت از مشارکت دادن کودکان در جنگ نهی فرمود؛ زیرا کودک چهارده ساله‌ای در این جنگ داوطلب نبرد شده بود، اما پیامبر ﷺ اجازه شرکت به وی نداد. که این موضوع نشان‌دهنده این است که اسلام شرکت کودکان زیر سن بلوغ را مجاز ندانسته است (رستمی، بی‌تا). براساس مقررات اسلامی، شرکت کودکانی که به سن بلوغ نزدیک هستند در امور جهادی که با توان آنها سازگاری دارد به شرط موافقت والدین و تمایل آنها مانعی ندارد و سن سربازگیری و خدمت نظام در صورت ضرورت در اسلام سن بلوغ است (نقیبی، ۱۳۹۲).

ماده ۷۷ پروتکل الحاقی مقرر می‌دارد: «طرف مخاصم تمام اقدامات ممکن را به عمل خواهند آورد تا کودکانی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند به طور مستقیم در مخاصمه شرکت نکنند و به‌ویژه از فراخواندن آنها به نیروهای مسلح اجتناب خواهند کرد». شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۹ در قطعنامه ۱۲۶۱، استخدام کودکان برای خدمت نظامی را نقض حقوق بین‌الملل دانسته و به شدت محکوم کرده است (میرمحمدی، بی‌تا). بنابراین، سربازگرفتن کودکان یکی از پرخطرترین موارد آسیب علیه کودکان است؛ زیرا این کودکان به طور ناخواسته وارد این کار شده‌اند و به دلیل خشونت‌ی که اطرافشان وجود دارد و به دلیل ترس از نداشتن تغذیه و لباس و مواردی مثل موارد بهداشتی ممکن است وارد ارتش شوند.

۹-۲. کشته شدن کودکان

یکی از آثار جنگ برای کودکان ازدست‌دادن جان آنهاست. اقداماتی مانند منع هتک حرمت، مراقبت‌های پزشکی و اولویت‌بندی کودکان در امداد رسانی و حق مراقبت و بازپروری جسمی و روحی باید در جهت حفظ سلامت کودکان باشد. درگیری‌های مسلحانه بر کودکان شدیدتر از سایر مردم است به طوری که سالانه هزاران کودک در جنگ کشته می‌شوند که البته بسیاری از آنها بر اثر سوء تغذیه و عدم ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی جان خود را از دست می‌دهند. جنگ‌های داخلی یکی از عوامل رشد کودکان قربانی است. گاهی کودکان هدف قتل عام قرار می‌گیرند؛ زیرا گاهی کشتن کودکان برای رسیدن به هدفشان بیشتر کمکشان می‌کند و از دید

دشمنان، کودکان امروز، ملت فردا را تشکیل می دهند. یکی از اهداف ضروری اسلام، حفاظت و حمایت از کودکان و زندگی آنهاست که اسلام برای این امر، راه های مختلفی را پیش بینی کرده است از جمله: انتخاب مناطق امن برای سکونت و ایجاد پناهگاه های دور از جنگ. کشتن کودکان غیر نظامی دشمن در اسلام ممنوع است و حمایت از زندگی آنان لازم است. (رستمی، بی تا) راویان به صراحت نقل می کنند که پیامبر ﷺ از کشتن کودکان نهی فرموده است. آن حضرت هرگاه گروهی را برای مراقبت های نظامی (سوریه) می فرستاد آنان را در برابر خود می نشاند و می فرمود: «زنان، سالخورده ها و کودکان را مکشید» (علامه حلی، بی تا، ص ۶۳).

۹-۳. خشونت ها و تجاوزهای جنسی

مسئله دیگر در مورد آسیب های علیه کودکان، مسئله خشونت ها و تجاوزهای جنسی علیه کودکان است. هرچند که پسران نیز از این نوع خشونت در امان نیستند، ولی چون بیشتر این خشونت ها علیه دختران است باعث بیشترین آسیب به دختران است. ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۰۷، خشونت جنسی را به عنوان نقض شرافت خانوادگی ممنوع اعلام کرده است. همچنین ماده ۱ ضمیمه اول به کنوانسیون لاهه، مصوب ژوئیه ۱۸۹۹ و ماده اول از پروتکل دوم الحاقی ۱۹۰۷ لاهه به طرفین متخاصم توصیه کرده که در انجام عملیات نظامی خود، منطبق با قواعد و عرف های جنگی عمل کنند. به موجب این ماده، بسیاری از جنایات جنگی متعارف در آن زمان از جمله تجاوز به عنف ممنوع شد. (زرنشان و زندی، ۱۳۹۹) در متون فقهی تصریح شده است، حتی اگر دشمن از جرایم عفا فی و تجاوز جنسیمانند یک روش جنگی علیه مسلمانان استفاده کنند، مسلمانان در پاسخ نمی توانند از این روش استفاده کنند؛ زیرا اسلام دین اخلاقی و انسانیت است و این رفتارها با آموزه های اخلاقی اسلام ناسازگار است. مسلم است که در صورت دسترسی به مرتکبان این جنایات آنان محاکمه و مجازات می شوند (عاملی، بی تا، به نقل از میرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

در جریان یک مخاصمه ممکن است کودک ربوده شود و در نهایت به بردگی جنسی گمارده شود. کودکی که در جریان جنگ، جدای از همه استرس‌های موجود در آن از جمله زندگی در زیر آوار و شلیک گلوله و همچنین کمبود امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و غذایی، ربوده شود به ناچار دچار سختی‌های افزون‌تر از قبل می‌شود. ممکن است برای کشورهای دیگر قاچاق شوند یا در کشورهای دیگر به انجام کارهای سخت وادار شوند. کودکانی که در فقر به سر می‌برند یا به طور کلی فقیرند بیشتر از سایر کودکان در معرض فروش توسط باندهای قاچاق انسان، سوء استفاده جنسی یا انجام کارهای دشوار قرار می‌گیرند. (حبیبی، ۱۳۹۶)

ربوده شدن کودکان در مخاصمات مسلحانه به نوعی آغاز مشکلات متعدد دیگر برای کودکان است؛ زیرا وقتی کودکی ربوده می‌شود، معلوم نیست که گرفتار چه سرنوشت دیگری می‌شود.

۹-۵. محرومیت از کمک‌های بشردوستانه

تمام سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه و مردم‌نهاد سعی در کاستن خسارات وارد بر کودکان دارند، اما در زمان مخاصمات مسلحانه دسترسی به این کمک‌ها محدود می‌شود و گاهی ناممکن. فهرست اقدامات حمایتی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی برای کودکان به شرح زیر است (آقازاده، ۱۳۹۲):

- ایجاد بیمارستان و مناطق امن (ماده ۱۴ کنوانسیون چهارم ژنو)؛
- تخلیه کودکان از مناطق جنگی و آزادسازی و بازگرداندن آنها پس از پایان درگیری (مواد ۱۷، ۲۴/۲، ۴۹/۳، ۷۸، ۱۳۲/۲ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۸ نخستین پروتکل الحاقی و ماده ۴/۳ دومین پروتکل الحاقی)؛
- اولویت بخشی در رسیدگی از جمله در توزیع غذا، تجهیزات پزشکی و پوشاک (مواد ۲۳، ۳۸، ۵۰/۵ و ۸۹ کنوانسیون چهارم ژنو)؛
- پیوستن دوباره به خانواده (مواد ۲۴، ۲۵، ۴۹/۳، ۵۰ و ۸۲ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۸ نخستین پروتکل الحاقی و مواد ۴/۳ و ۶/۴ دومین پروتکل الحاقی)؛

- آموزش (مواد ۱/۲۴، ۵۰ و ۹۴ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۸/۲ نخستین پروتکل الحاقی و ماده ۴/۳ دومین پروتکل الحاقی)؛

- مراقبت ویژه از کودکان بازداشت یا توقیف شده (مواد ۵/۷۶، ۸۲، ۸۵/۲، ۹، ۹۴، ۱۱۹/۲ و ۱۳۲ کنوانسیون چهارم ژنو و مواد ۷۷/۳ و ۴ نخستین پروتکل الحاقی و ماده ۴/۳ دومین پروتکل الحاقی)؛

- مصونیت از مجازات اعدام. (صحرانورد، ۱۳۸۱)

به نظر می‌رسد که در نوشته حاضر فقط تعدادی از آسیب‌های وارد بر کودکان در مخاصمات مسلحانه آورده شده است که این آسیب‌ها با توجه به کشور و مکان مورد نظر که جنگ در آنجا اتفاق می‌افتد، متعدد و متفاوت است. بنابراین، هرچه از این آسیب‌های متعدد صحبت شود باز هم نمی‌توانند تسکین برای آسیب‌هایی که بر روح و جان کودکان بی‌گناه و مظلوم در سراسر دنیا وارد می‌شود، باشد. از جمله آسیب‌های دیگر می‌توان به این موارد اشاره کرد: از هم‌پاشیدن زندگی عادی و روزمره مردم، زیرپا گذاشتن حقوق کودکان از جمله قتل عام کودکان، مجروح و معلول شدن کودکان، آواره و بی‌خانمان و یتیم شدن کودکان، محروم ماندن از بسیاری از حقوق عادی اولیه.

۱۰. راهکارهای پیشگیری از آسیب کودکان در مخاصمات مسلحانه

۱۰-۱. راهکارهایی از دیدگاه اسلام

اگر دولت با انعقاد یک پیمان بین‌المللی بتواند کودکان سرزمین خود را از بلایای جنگ دور سازد این کار بر دولت اسلامی لازم خواهد بود؛ زیرا این معاهده تعهدات متقابلی را فراهم می‌سازد که کودکان از صدمات جنگ دور بمانند. بنابراین، بر افراد، نهادهای مردم‌نهاد و دولت که به صورت یکسان مورد خطاب آموزه‌های اسلام قرار دارند، لازم است که در حد توان و امکانات از بروز خشونت علیه کودکان در مخاصمات جلوگیری کنند. براساس آنچه فقها در حمایت از کودکان در مخاصمات آورده‌اند دولت اسلامی موظف می‌شود کسانی که کودکان را

در مخاصمات مشارکت می‌دهند و یا آنان را هدف قرار می‌دهند به نام مجرمان جنگی تحت تعقیب قرار داده و محاکمه و مجازات کند. دولت اسلامی چه به پروتکل الحاقی خاص حمایت از کودکان در مناقشات بپیوندد و یا خیر، آموزه‌های اسلام از کودکان در مخاصمات مسلحانه پشتیبانی خواهد کرد. (میرمحمدی، ۱۳۹۳)

۱۰-۲. راهکارهایی از دیدگاه اسناد بین‌المللی

براساس اصل لزوم رعایت منافع عالیه کودک به عنوان یکی از اصول بنیادین نظام بین‌الملل، حقوق کودک جایگاه والایی در حقوق بین‌الملل دارد به گونه‌ای که کنوانسیون حقوق کودک با محوریت این اصل تدوین شده است. پس براساس این اصل، طرفین درگیری‌های مسلحانه باید از به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه پرهیز کنند. (سلیمان زاده، بی‌تا) مطلوب‌ترین راهکار پیش روی جامعه بین‌المللی، تصویب معاهده‌هایی جدید است که جامع و مانع باشد.

۱۱. نتیجه‌گیری

جنگ به‌طور کلی آسیب‌های فراوان برای نظامیان و به‌ویژه برای غیرنظامیان دارد. از گروه غیرنظامیان، زنان و کودکان جزء اقشاری هستند که بیشترین صدمه را می‌بینند. این آسیب‌ها می‌توانند روی همه ابعاد زندگی افراد به‌ویژه کودکان تأثیرات فراوانی بگذارد که این آسیب‌ها می‌تواند جسمی، روحی و روانی باشد. بنابراین، برای کاهش این آسیب‌ها از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی، قوانین و روایات فراوانی وجود دارد که تا به حال کم و بیش مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که این اسناد و قوانین و روایات باید با نگرشی دقیق‌تر مورد توجه و بررسی قرار بگیرند تا بتوان التیامی برای حقوق تضییع شده کودکان مظلوم در سراسر جهان باشد. همچنین باید قوانینی جدید وضع شود که طرف‌های مخاصم نتوانند به راحتی حقوق کودکان را پایمال کنند و باید مجازات‌های سنگینی برای نقض‌کننده قوانین در نظر گرفت.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آقازاده، جواد (۱۳۹۵)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه، نشریه سیاست خارجی، ۲(۳۰)، ۱۴۵-۱۶۳.
۲. اردستانی، علی، و کامجو، الهه (۱۳۹۷)، بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه، نشریه حقوق بشر، ۱(۱۳)، ۷۴-۱۰۲.
۳. پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۰)، حقوق کودک، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. رستمی، مصطفی (بی‌تا)، بررسی مقالات بین‌المللی و قواعد مرتبط با حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه، دبیرخانه اسلام و حقوق بشر دوستانه اسلامی، مشاهده شده در: www.islamih1.com.
۵. زرنشان، شهرام، و زندی، ریحانه (۱۳۹۹)، حمایت حقوق بین‌الملل از کودکان متوله از زنان قربانی خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه، نشریه حقوقی بین‌الملل، شماره ۶۲، ۱۵۳-۱۷۶.
۶. زعفرانی، غزال (بی‌تا)، بررسی آثار پایدار جنگ بر کودکان در پرتو حقوق مخاصمات مسلحانه، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه.
۷. سلیمان‌زاده، احمدرضا (۱۳۹۳)، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی، پژوهشکده باقر العلوم (ع.ا.ع).
۸. صحرانورد، مریم (۱۳۸۱)، آثار جنگ‌های مسلحانه بر زندگی کودکان، موقعیت کودکان دنیا در سال ۲۰۰۱، جمع‌آوری شده توسط یونسف، نشریه فرهنگ پایداری، پیش شماره ۱۰۲-۲۵.
۹. عباچی، مریم (۱۳۹۵)، مجموعه مقالات حقوق کودک، تهران: مجد. مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. فقیه حبیبی، علمی (۱۳۹۶)، حقوق کودک در اسلام و خشونت‌های سیاسی جهان اسلام، نشریه پژوهشی سیاسی جهان اسلام، ۲(۷)، ۱۵۸-۱۷۶.
۱۱. مروت، مجتبی (۱۳۸۵)، حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۸، ۱۴۲-۱۶۸.
۱۲. ممتاز، جمشید (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: میزان.
۱۳. میرمحمدی، مصطفی، و همکاران (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات حقوق کودک (مطالعه تطبیقی در اسلام و اسناد بین‌المللی)، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۱۴. میرمحمدی، مصطفی (بی‌تا)، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافت‌های حقوقی بین‌الملل و حقوق اسلام)، نشریه حقوق بشر، شماره ۱.
۱۵. نظیفی، عباس، و جعفری، اصغر (۱۳۹۰)، نگاهی تحلیلی بر مخاصمات مسلحانه در دو دیدگاه: اسلام و حقوق بین‌الملل، نشریه دیدگاه حقوقی، شماره ۵۴، ۲۲۲-۲۴۱.
۱۶. نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، حمایت از کودکان در حقوق بشردوستانه اسلامی و مقررات بشردوستانه بین‌المللی، نشریه دین و قانون، ۱(۱)، ۴۴-۶۷.
۱۷. نورمحمدی، علی (بی‌تا)، خشونت علیه کودکان، مروری بر اندیشه جهانی و اقدام ملی برای حمایت از کودکان در برابر آسیب، نشریه حقوق بشر، شماره ۱، ۲۳۴-۲۵۸.